

تالیف و ترجمه کتاب‌های علمی برای کودکان و نوجوانان در گُفت وگو با «حسن سالاری»:

فقط عشق به کمک نویسنده می‌آید

گروه علم: سال‌هاست که بحث اولویت ترجمه با تالیف کتاب‌های علمی (چه کتاب‌های درسی و چه برای عموم، چه برای کودک و نوجوان و چه برای بزرگسال)، مطرح است. برخی طرفدار ترجمه هستند و برخی طرفدار تالیف. هرکدام هم دلایلی را برای انتخاب خود مطرح می‌کنند. در جشنواره کتاب رشد امسال اما اتفاق جالبی روی داد. «حسن سالاری» هم در بخش تالیف و هم در بخش ترجمه کتاب برنده جایزه شد. در جشنواره رشد امسال، کتاب تالیفی «در کلاس درس کاشانی» در گروه ریاضی و کتاب ترجمه «آشنایی با منظومه خورشیدی برای کودکان» در گروه علوم برنده جایزه شد. به همین مناسبت با او گفت‌وگویی ترتیب دادیم تا با مزایا و معایب هرکدام از این رویکردها بیشتر آشنا شویم:

۱سال‌ها این بحث مطرح است که آیا م کتاب‌های علمی را باید برای فرزندان‌مان به زبان فارسی بنویسیم و تالیف کنیم یا باید کتاب‌های خوب خارجی را ترجمه کنیم. طرفداران هریک از این دیدگاه‌ها دلایلی را برای ادعای خود مطرح می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟
باید بگویم من طرفدار هر دودیدگاه هستم. از آنهایی که می‌گویند باید برای فرزندانمان کتاب خوب تالیف کنیم، خواهمش می‌کنم انرژی بیشتری بگذارند و کتاب‌های خوب بیشتری تالیف کنند. از آنهایی که می‌گویند کتاب‌های خوب خارجی را باید ترجمه کنیم، خواهمش می‌کنم کتاب‌های خوب را انتخاب و آنها را خوب ترجمه کنند. من در عمل هم به تالیف و هم به ترجمه گرایش دارم و هر دو را ضروری می‌دانم. اما واقعیت این است که در بیانه‌های دآوری جشنواره‌های گوناگون، از کاستی‌های بسیار کارهای ترجمه‌ای بارها گلایه شده است. با توجه به همکاری‌هایی که با برخی سازمان‌های مرتبط با کتاب کودک و نوجوان دارم، بیش از یک‌دهه است که بیشتر کتاب‌هایی را که هرساله برای این حوزه ادبیات منتشر می‌شود، می‌بینم و بررسی می‌کنم. در مجموع بگویم ما کتاب‌های خوب خارجی را به شیوه‌ای نامناسب ترجمه می‌کنیم. اگر کتاب خوب خارجی را خوب ترجمه کنیم، جای سپاس و ستایش دارد. اما واقعیت تلخ این است که بر کاستی‌های احتمالی کتاب خارجی، کاستی‌های بسیار دیگری می‌افزاییم. درباره تالیف باید بگویم اگر در همه زمینه‌ها نه، در برخی زمینه‌ها باید تالیف کنیم. برای مثال، کشور ما با بحران آب، آلودگی هوا، یورانی زیستگاه‌ها، انقراض گونه‌ها، کمبود شناخت از جغرافیای طبیعی و انسانی و قوم‌های گوناگون، کم‌آگاهی نسبت به تاریخ علم، دانشمندان ایرانی، تاریخ ایران، فرمانروایان ایران و تمدن کهن ایران، کم‌آگاهی نسبت به اصطلاحات و مفاهیم مهم مانند دموکراسی، حقوق بشر، حقوق شهروندی، مشارکت مدنی، اقتصاد جهانی و بسیاری موضوع‌ها و مفاهیم دیگر، روبه‌روست. بارها می‌گویم به فرهنگ سازی نیاز داریم. بخش مهمی از فرهنگ‌سازی به نوشتن کتاب‌هایی در این موضوع‌ها برای گروه‌های مختلف مربوط می‌شود.

۲برخی هم می‌گویند بهتر است یک کتاب را به عنوان مبنا انتخاب و ترجمه کنیم اما در صورت نیاز با توجه به تاریخ و فرهنگ خودمان، بخش‌هایی را حذف و اضافه کنیم. نظر شما چیست؟

این کار را من در بیشتر کتاب‌هایی که تاکنون ترجمه کرده‌ام، انجام داده‌ام. اما فقط به افزودن مطالبی درباره تاریخ و فرهنگ خودمان محدود نمی‌شود. گاهی ممکن است نویسنده خارجی به دلایلی یک موضوع را روشن بیان نکرده باشد یا آن موضوع پیش‌نیازی داشته باشد که باید به خواننده ایرانی از آن آگاه باشد. اینها را نیز باید به کتاب افزود. این کار را پیشینیان ما انجام می‌دادند و آن را تحریر می‌نامیدند. برای مثال، «خواجهمصیر طوسی»، کتاب‌های نویسندگان یونانی را تحریر می‌کرد، یعنی در جایی که به‌نظرش می‌رسید «اقلیدس» یا «ارشمیدس» خوب توضیح نداده است، توضیح بهتری به کتاب می‌افزود. زنده‌یاد «ایرج جهانشاهی» از پیشگامان ادبیات کودک و نوجوان نیز به این کار باور داشت و نام این کار را بازپرداخت گذاشته بود. من کتاب «دانش پیشینیان» را ترجمه و بازپرداخت کرده و دوفصل به آن افزوده‌ام. برای مجموعه «تاریخ علم برای نوجوانان»، یک جلد با عنوان علم در ایران باستان نوشتم. اما به نظر من این کار مانند داروی مسکن است و کار اصلی، تالیف است. اگر کسی می‌تواند یک موضوع علمی را بهتر از یک نویسنده خارجی توضیح دهد، چرا خودش کتاب ننویسد؟ شاید بتوانیم یک دلیل موجه برای این کار مطرح کنیم: کار تالیف دشوار، زمان‌بر و هزینه‌بر است و شاید با تالیف و ترجمه یا همان بازپرداخت، زودتر به نتیجه برسیم.

۳در این صورت به چه ملک و معیارهایی باید توجه کرد؟

نخست اینکه تا حد امکان باید حقوق نویسنده خارجی را رعایت کنیم. اگر به کنش‌بش چیزی می‌افزاییم، به شیوه‌ای مشخص کنیم که کجاها را ما افزوده‌ایم. دوم، باید دانش کافی در زمینه مورد نظر داشته باشیم یا از کارشناسی آگاه کمک بگیریم. سوم، بر این‌کار پافشاری نداشته باشیم و همه جوانب را بسنجیم. زیرا ممکن است کتاب به افزودن مطلب نیاز نداشته باشد. چهارم، افزوده ما نباید به ساختار کتاب اصلی آسیب بزند و از نظر جمله‌بندی و گرافیک باید شبیه آن باشد. پنجم، به نویسنده اصلی گوشه‌وکنایه نزنیم و احترام او را داشته و انتظار نداشته باشیم که او نیازهای کشور ما را نیز در نظر گرفته باشد.

۴با این توضیحات، برای تالیف کتاب‌های درسی کدام بهتر است؟ برای تالیف کتاب‌های علمی عمومی که درسی نیستند و مخاطب عام دارند، کدام روش بهتر است؟

شاید به‌نظر برسد کشوری مانند استرالیا به تالیف کتاب درسی یا کتاب‌های کمک‌آموزشی نیاز ندارد چون زبان رسمی این کشور زبان انگلیسی است و این کشور روزگاری مستعمره انگلستان بوده است، می‌تواند کتاب‌های درسی و کمک‌آموزشی انگلستان را مصرف کند. اما هم کتاب درسی و هم کتاب‌های کمک آموزشی را تالیف می‌کنند. من برخی از آنها را در اختیار دارم. محیط‌زیست این دکوشور تفاوت‌هایی با هم دارد و اختلاف‌های دیگری که میان این دو هست، کارشناسان آموزش را به تالیف برنامه درسی متفاوت و کتاب‌های متفاوت واداشته است. ناشران استرالیایی بسیار فعال هستند.

۵در برخی موارد برای تالیف کتاب‌های درسی، کتاب خارجی را ترجمه و به اسم کتاب تالیفی به ما عرضه کردند؟ به‌نظر شما این کار درست است؟

آموزش‌وپرورش که ادعا دارد کتاب‌ها را تالیف می‌کند و تالیف‌هایش با کتاب‌های خارجی برابری می‌کند تا جایی که من می‌دانم، هیچ‌کتاب خارجی‌ای به‌عنوان کتاب درسی ترجمه نمی‌شود. فقط گاهی تکه‌هایی از چندکتاب خارجی را ترجمه کرده و به ظاهر به هم چسباندند. استاد ارجمند آقای «مرتضی خلخالی» که خودشان سال‌ها در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی فعالیت کرده‌اند، درباره این کار نادرست بارها گفته‌اند و نوشته‌اند. کتاب‌های درسی خارجی با توجه به برنامه درسی متفاوتی نوشته شده‌اند و نمی‌توان آنها را با هم مخلوط کرد. آیا می‌توان قطعه‌های چندخودرو را به هم وصل کرد و خودرو کارآمدی ساخت؟ البته شاید ما می‌توانیم! تجربه من به عنوان نویسنده کتاب‌های کمک آموزشی نشان



می‌دهد که چه برای کتاب درسی و چه برای هرکتاب دیگری، نمی‌توان تکه‌هایی از چندکتاب را ترجمه کرد و کنار هم چید و به کتاب منسجمی دست یافت. شما می‌توانید کتاب‌های گوناگون را مطالعه کنید و از منابع گوناگون بهره‌برداری کنید، اما طرح کتاب شما باید خاص شما باشد. طرح کتاب، یعنی فصل‌بندی و به‌ویژه عنوان‌بندی درون متن، اسکلت کتاب یا چارچوب کتاب است. مهندس نقشه ساختمان را مطابق شرایط زمین و کاربری آن، طراحی می‌کند و سپس مصالح را از جاهای گوناگون انتخاب می‌کند و ساختمانی می‌سازد که خاص سازنده آن است.

۶در برخی موارد هم بخش‌هایی از کتاب خارجی را حذف کرده‌اند که باعث شده است ارتباط منطقی بخش‌های کتاب از بین برود. برای حل این مشکل چه باید کرد؟

اگر ارتباط منطقی‌ای نمی‌بینید، به دلیل این است که برای ارتباط میان مفاهیم و موضوع‌ها وقت نگذاشته‌اند. به همان مثال خودرو توجه کنید. بارها شنیده‌ایم که می‌گویند لازم نیست خودروساز همه قطعات خودرو را خودش بسازد. این درست است. اما طراحی خودرو باید از آن خود خودروساز یا سفارش او باشد و سپس قطعه‌هایی سفارش دهد که با طراحی خودرو همخوانی داشته باشد. درباره کتاب درسی یا کمک‌آموزشی، باید عنوان‌بندی درونی کتاب (outline) با توجه به برنامه درسی، طراحی و ساختار متن آن تعریف شود. نمی‌توان محتوای چندکتاب را که عنوان‌بندی درونی و ساختار متن متفاوت دارند، به هم بچسبانیم و ارتباط‌های منطقی را هم رعایت کنیم.

۷ شما خودتان برای تالیف کتاب چه‌کار می‌کنید؟

بگذارید روند تالیف کتاب «آشنایی با جانوران: خزندگان» را که به‌تازگی منتشر شده است، فشرده بگویم. نخست انتخاب موضوع بود. ضرورت داشت کتابی درباره خزندگان ایران بنویسیم. بررسی کردم و دیدم چندکتاب در این باره نوشته شده، اما این کتاب‌ها برای کارشناسان محیط‌زیست و جانورشناسان مناسب است. چندکتاب دیگر به‌ظاهر برای نوجوانان نوشته شده بود، اما از نظر ساختاری، کتاب بزرگسالان به شمار می‌آید. نمی‌خواستم کتابی با عنوان آشنایی با جانوران ایران بنویسم، هرچند نوشتن این کتاب هم ضرورت دارد. می‌خواستم کتابی بر پایه استانداردهای آموزشی علوم درباره خزندگان بنویسم که خزندگان ایران در دل آن معرفی

بارآوری قلم درجزیره‌دانش



«حسن سالاری»، مترجم، نویسنده، ویراستار، پژوهشگر آموزش و پرورش و مدیر پایگاه اینترنتی جزیره دانش است. «سالاری» تاکنون سه‌بار برنده جایزه کتاب سال، یک‌بار برنده جایزه کتاب سال دانشجویی و سه‌بار برنده جایزه جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد شده است. او جایزه قلم پرنده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در سال۱۳۸۸ به‌دلیل مجموعه آثار نیز دریافت کرد. با این‌همه، وی کتاب صدانتخمنشدن ایران و اسلام را برترین کار پژوهشی و نگارش‌شی خود می‌داند. «سالاری» تاکنون بیش از ۳۰۰مقاله به صورت ترجمه تا تالیف در مجلات و روزنامه‌ها منتشر کرده است. پایگاه اینترنتی «جزیره‌دانش» به نشانی jazirehdanesh.com که در سال۱۳۸۳راه‌اندازی شد نیز در سال۱۳۸۶برگزیده دهمین دوره جایزه ترویج علم ایران شد. «حسن سالاری» تاکنون برنده جوایز بسیاری بوده است، از جمله:

- دهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی، ۱۳۸۲ (شبیه‌سازی انسان)
- بیست‌وپنجمین دوره کتاب سال، بهمن ۱۳۸۶ (فرهنگنامه کلید دانش)
- جایزه کتاب فصل مهرماه ۱۳۸۷ (سلول)
- بیست‌وهفتمین دوره کتاب سال، بهمن ۱۳۸۸ (مجموعه مفاهیم پایه در علوم تجربی)
- نهمین دوره کتاب فصل، بهار ۱۳۸۸ (علم در ایران باستان)
- قلم پرنده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸ (مجموعه آثار)
- سیزدهمین دوره کتاب فصل، پاییز ۱۳۸۹ (از پرنده دانا پیرس)
- بیست‌وهشتمین دوره کتاب سال، بهمن ۱۳۸۹ (تاریخ علم برای نوجوانان)
- هشتمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، دی‌ماه۱۳۸۹ (دانشنامه تصویری نوآموز)
- نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، دی‌ماه ۱۳۹۰ (بیرونی، استاد اخترشناسی و جغرافیا)
- یازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، دی‌ماه۱۳۹۳ (آشنایی با منظومه خورشیدی، در کلاس درس کاشانی)

علم

نگاه از بیرون

راهنمای تدوین کتاب

مخاطبتان را بشناسید

رقیه علی‌نژاد

باتوجه به اینکه در سال‌های اخیر نظام‌آموزشی کشور تغییر کرده است، لازم شده کتاب‌های تازه‌ای متناسب با این تغییر نظام‌آموزشی تدوین شود. با توجه به اینکه کتاب‌های درسی مهم‌ترین ابزار آموزشی در نظام‌آموزشی کشور ما و بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه جهان است، کارشناسان آموزش‌وپرورش، ویژگی‌های مهم یک‌کتاب درسی مطلوب را بیان کرده‌اند که در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین این ویژگی‌ها را با هم مرور می‌کنیم.

۱- **تالیف کتاب درسی براساس برنامه و هدف‌های آموزشی:** بسیاری از کشورها پیش از تالیف کتاب درسی اصلی، ابتدا برنامه درسی کلی را تنظیم می‌کنند و در آن چارچوب کلی مواردی را که دانش‌آموز باید در طول دوره تحصیل بیاموزد، بیان می‌کنند. سپس با توجه به موارد مندرج در این برنامه، کتاب درسی تدوین می‌شود. بدیهی است برنامه درسی بسیار کمتر از خود کتاب‌های درسی دچار تغییر می‌شود. برنامه درسی با همکاری کارشناسان رشته درسی، کارشناسان روانشناسی یادگیری و باتوجه به هدف‌های کلی آموزش‌وپرورش کشور تنظیم می‌شود.

۲- **رعایت توالی مطالب:** توالی مطالب باید باتوجه به خط‌سیر مشخص و به‌صورت منطقی و باتوجه به یادگیری‌های پیشین دانش‌آموزان باشد. همان‌گونه که توالی مطالب در هر طرح درس باید برپایه دانسته‌های پیشین و در چارچوب هدف‌های مشخصی باشد، عرضه مطالب و توالی آنها در کتاب درسی نیز باید چنین باشد. توجه به برنامه درسی مقطع یا سال‌پیش و پیش‌نیازهای مفهومی و مهارتی به هنگام نوشتن کتاب بسیار زیربنایی است. علاوه‌بر اینها، رعایت توالی معقول و منطقی مفاهیم در چپش فصل‌ها و گفتارها بسیار تعیین‌کننده است. ساختار هررشته از دانش برپایه سلسله‌مراتبی شکل می‌گیرد که ترتیب منطقی مفاهیم آن را می‌توان در یک‌هرم جای داد به اینگونه‌که مفاهیم بنیادی‌تر و عمومی‌تر در طبقه‌های پایینی و نزدیک به قاعده هرم و مفاهیم اختصاصی‌تر در طبقه‌های بالایی آن جای می‌گیرند.

۳- **پروازندن مفاهیم بنیادی به‌جای انتقال واقعیت‌ها:** تمایز بین واقعیت‌های علمی و مفاهیم بنیادی از مهم‌ترین چیزهای است که نویسنده کتاب درسی و معلمان باید به آن توجه داشته باشند. با توجه به اینکه امروزه دستیابی به منابع اطلاعاتی بسیار آسان‌تر از دوره‌های گذشته شده است و با وسایل ارتباط‌جمعی کنونی، بسیار آسان می‌توان به واقعیت‌هایی مانند جمعیت کشورها یا دمای ذوب‌وجوش عنصرها دست یافت، هم‌اکنون بسیاری از کتاب‌های درسی به‌جای ارائه این اطلاعات خام، تلاش دارند شیوه کشف قانون‌های طبیعی از اطلاعات خام را به دانش‌آموزان منتقل کنند.

۴- **عرضه مطالب متناسب با توانایی ذهنی دانش‌آموزان:** مطالب عرضه‌شده در کتاب درسی باید با گروه سنی و توانایی‌های دانش‌آموزان متوسط هر کلاس سازگاری داشته باشد و فرصت‌های متعددی را برای دانش‌آموزانی که توانایی‌های متفاوتی دارند، فراهم کند. پژوهش‌های گسترده روانشناسان تربیتی درباره مراحل رشد ذهنی کودکان و چگونگی یادگیری آنان، پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی به مراکز برنامه‌ریزی درسی در جهان وارد شد و دگرگونی بزرگی در روش عرضه مفاهیم علمی به دانش‌آموزان پدید آورد. آن پژوهش‌ها به آگاهی کارشناسان برنامه‌ریزی درسی افزود و آنان را به‌سوی طراحی برنامه‌هایی‌کشانند که با توانایی‌های وزارت بهداشت آگاه باشم. از یک سو همکاری مناسب انجام نمی‌شود، چون ما تجربه چنین همکاری‌هایی را نداریم و شاید برای ما مهم نباشد که برای نویسنده کودک و نوجوان وقت بگذاریم. از سوی دیگر، این همه‌وقت که صرف می‌آید، بازگشت مادی کافی برای نویسنده ندارد. فقط عشق به کمک می‌آید.

پنجره‌های باز

اهمیت و ارزایی کتاب‌های کمک آموزشی

هدایت استعدادها به جای ممنوعیت فعالیت‌ها



سال‌ها پیش، روزی در کسوت مولف کتاب‌های درسی به بازدید دبیرستانی واقع در آذربایجان‌شرقی رفته بودم. در یکی از کلاس‌ها، دانش‌آموزی از من پرسید چرا برای هر کتاب درسی که مثلاً حدود ۳۰۰صفحه دارد، چندین عنوان کتاب کمکی تالیف و روانه بازار می‌شود؟ مگر کتاب‌های درسی چقدر دشوار و مبهم نوشته می‌شوند که نیاز به این‌همه کتاب کمکی دارند؟ او سپس ادامه داد بسیاری از این کتاب‌های کمکی که برای کسب درآمد نوشته می‌شوند، کیفیت لازم را ندارند و استاندارد نیستند، ما را دچار سرگردانی می‌کنند و بعضی از آنها حتی گمراه‌کننده‌اند، مطالب نادرست دارند و وقت ما را بیهوده می‌گیرند. چرا برای کنترل بازار این نوع کتاب‌ها کاری انجام نمی‌شود؟ باید اعتراف کنم در آن لحظه انتظار شنیدن چنین سخنانی از دانش‌آموزی دبیرستانی نداشتم. یادم هست که در آن زمان کسی کاری برای ساماندن‌هی کتاب‌های آموزشی انجام نمی‌داد. از طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی هم خبری نبود و جشنواره‌ای هم برای معرفی کتاب‌های مناسب وجود نداشت. در آن زمان این فکر به ذهنم رسید که برای انجام آنچه این دانش‌آموز خواسته بود، یعنی کنترل بازار کتاب‌های کمک‌درسی، دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یکی ممنوعیت و مبارزه با ناشران و مولفان این نوع کتاب‌ها و دیگری به‌عکس، همکاری با آنان و هدایت ناشران و مولفان و تشویق آنان برای تالیف کتاب‌های بهتر و مناسب‌تر. آشکار است که راه‌حل اول چندان مفید و امکان‌پذیر جلوه نمی‌کرد، چون ممکن بود به زیرزمینی‌شدن این کتاب‌ها منجر شود. اما راه‌حل دوم عملی‌تر می‌نمود.

اکنون سال‌ها از آن روز گذشته است. سال‌هاست که طرح سامان‌بخشی کتاب‌ها و منابع آموزشی با هدف هدایت و تشویق ناشران در حال اجراست و امسال یازدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی برگزار شد. اما هنوز نُه‌تنها از قبل‌وقال بازار مکاره کتاب‌های آموزشی کاسته نشده، بلکه میاهوی فروشندهگان این‌گونه کتاب‌ها بلندتر هم شده است. هنوز تعداد کتاب‌های کمکی که به‌بازار هر کتاب درسی منتشر می‌شوند، نُه‌تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش بسیار هم داشته است و حتی می‌بینیم به‌طور منظم از رسانه‌های قدرتمند کشور هم درباره آنها تبلیغ می‌کنند. پس نتیجه سامان‌بخشی چه بوده است؟

در پاسخ باید تاکید کنم که درست است کمیت این کتاب‌ها افزایش یافته، اما کیفیت آنها هم افزایش داشته است؛ یعنی نسبت کتاب‌های آموزشی مناسب و استاندارد افزایش قابل‌توجه داشته است. به‌بیان‌دیگر، جشنواره تا حدود زیادی در رسیدن به اهداف خود موفق بوده است؛ هرچند می‌توانست با امکانات موجود موفق‌تر از این هم باشد. به نظر می‌رسد یکی از کارهایی که این جشنواره می‌تواند انجام دهد، برگزاری نمایشگاهی از کتاب‌های شناسته، منتخب، برگزیده و مناسب است. اگر در کنار نمایشگاه، فروشگاه یا نمایشگاه دائمی هم برای عرضه کتاب‌های مناسب تدارک دیده شود، بسیار بهتر است چون مخاطب می‌تواند، نام پدیدآورندگان و ناشر به‌هیچ‌روی کاهی نیست. خط‌مخطبی جشنواره باید بتواند کتاب‌های معرفی‌شده را لمس کند، در دست بگیرد و ورق بزند. در این صورت است که آشنایی واقعی با کتاب‌های شایسته روی می‌دهد و اهداف جشنواره بیشتر محقق می‌شوند. به نظر نگارنده، لازم است سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که برگزارکننده این جشنواره است، در کنار برگزاری جشنواره، کارهای دیگری نیز انجام دهد تا تأثیر جشنواره ماندگارتر شود. از جمله حمایت بیشتر، نشاندهن بیشتر جشنواره و افزایش اعتبار آن از طریق افزایش کیفیت جشنواره. اساس کار این جشنواره را داوران تشکیل می‌دهند. انتخاب داوران خوب و شایسته، داورپروری و آموزش‌وپرورش کارشناسان، از کارهایی است که این سازمان باید انجام دهد تا خوش‌نامی جشنواره افزایش یابد و تأثیر آن بیشتر شود. برای توضیح بیشتر این موضوع باید تاکید کرد از آنجاکه پایه و اساس این جشنواره را داوران تشکیل می‌دهند، باید به ویژگی‌های آنان نیز بسیار توجه کرد. هراندازه کار دآوری درست‌تر و دقیق‌تر انجام شود، به همان اندازه اعتبار جشنواره نیز افزایش می‌یابد؛ چون می‌دانم که کار داور چه اندازه دشوار و حساس است. داور باید کارشناس باشد و کتاب‌های منتشرشده را بشناسد و بتواند آنها را با هم مقایسه کند و درباره آنها نظر دهد. دآوری و اندازه‌گیری کیفیت کتاب را نمی‌توان به روش‌های کمی انجام داد. ما می‌توانیم بسیاری از ویژگی‌های فیزیکی و کیفی هر کتاب (مانند طول و عرض، جرم و…) را با دقت بسیار زیادی اندازه بگیریم. حالا اگر ۱۰ نفر این ویژگی‌ها را اندازه بگیرند، اعداد یکسانی به دست می‌آورند. درحالی‌که دآوری درباره محتوای کتاب اینگونه نیست. داور هرگز نمی‌تواند خود را کاملاً از سابقه ذهنی خود بیرون بکشد، نمی‌تواند سلیقه و علاقه خود را در دآوری اصلا دخالت دهد. پس کاری که برگزارکنندگان جشنواره می‌توانند انجام دهند، این است که در انتخاب داورها بسیار سخت‌گیر باشند و آگاهی آنان را روزآمد و جدید کنند؛ به‌بیان‌دیگر، داورپروری کنند. از طرف دیگر تالیف کتاب درسی با تالیف کتاب کمک‌درسی تفاوت‌هایی دارد، از جمله اینکه تالیف کتاب درسی در چارچوب برنامه‌ای خاص و مصوب به نام برنامه درسی صورت می‌گیرد، مولف کتاب درسی نمی‌تواند خودسرانه هر موضوعی را می‌خواهد و می‌پسند، به کتابش وارد کند یا از موضوعی خاص که در برنامه درسی وجود دارد، دست‌نظر کند. به همین دلیل بعضی از نقض‌هایی را که در کتاب درسی وجود دارد، باید به حساب برنامه درسی مربوطه گذاشت. مخاطبان کتاب‌های درسی میلیون‌ی هستند و شمارکان هر کتاب درسی در سال چندصدهزار است. کتاب درسی سراسری و فراگیر است و برای همه دانش‌آموزان همه مناطق کشور نوشته می‌شود و منبع اصلی آزمون‌های ورود به دانشگاه است. درحالی‌که کتاب کمک‌آموزشی این محدودیت‌ها را ندارد. کتاب کمک‌درسی شمارگان محدود دارد و خواندن آن برای دانش‌آموزان اجباری نیست؛ بنابراین، دست مولف کتاب‌های کمک‌درسی بسیار بازتر است چون ا محدودیت حجم روبه‌رو نیست و بنابراین می‌تواند کتاب خود را متناسب با مخاطب خاص، مانند دانش‌آموزان تیزهوش، عادی یا استثنایی بنویسد. یادمان باشد کتاب کمک‌درسی باید در واقع مکمل کتاب درسی رسمی باشد، نه رونویسی از آن. وجه مشترک همه مولفان، چه درسی و چه کمک‌درسی آن است که اصولاً همه باید مخاطب‌شناس باشند؛ یعنی شناختی هرچه‌بیشتر و بهتر از مخاطب خود داشته باشند. مولف باید سواد و تخصص لازم را در موضوع مربوطه و نیز در زبان فارسی داشته باشد تا بتواند منظور خود را روشن و روان به فارسی توضیح دهد. به علاوه، او باید بتواند از منابع علمی به‌گونه‌ای مناسب استفاده کند. صدصدر داشته باشد تا نقض‌هی اثر خود را بپذیرد و آنها را اصلاح کند.